

یادداشت

در ماههای گذشته شاهد حوادث تلخی بودیم؛ زلزله‌های پی‌درپی در غرب و جنوب کشور که خانواده‌های بسیاری را داغدار کرد و کودکان بسیاری را بدون پدر و مادر گذاشت. آنچه که مسلم است این است که زلزله یک حادثه طبیعی است و در کشوری که بر روی گسلهای فعالی بنا شده، رویدادهایی اینچنین قابل مشاهده است آنچه که در این میان قابل توجه است چند مسئله میباشد: اول اینکه چون زلزله چندان قابل پیش‌بینی نیست، بهتر است با استحکام بناها از تخریب ساختمانها پیشگیری کنیم. دوم آنکه ساختمانهایی که به کودکان تعلق دارد مانند مدارس و مهدهای کودک و همینطور بیمارستانها و مراکز امدادی بطور خاصتر ضدزلزله و ضدتخریب ساخته شوند. سوم آنکه از نخبه‌هایی که طرحهای جدید در زمینه ساخت بناهای ضدزلزله دارند، حمایت مالی و اداری شود تا بعد از حوادث اینچنینی سازه‌های محکم و امن همواره وجود داشته باشد. در برخی از کشورها مانند سوئیس با اینکه حتی یک زلزله، حادثه طبیعی و یا جنگ وجود نداشته، در برخی شهرها بیمارستانهای مجهز و به روز زیرزمینی وجود دارد که در نهایت استحکام و امنیت و تکنولوژی، آماده بهره‌برداری است. فقط شعار «پیشگیری بهتر از درمان است» چاره‌کار نیست و باید بدان عمل کرد. در اینگونه حوادث، وضعیت کودکان از سایر گروههای سنی حساستر و بغرنجتر است. لطافت روحی کودک باعث میشود تا حادثه تأثیر بیشتری بر روی روح و جسم او بگذارد و کمک به احیای کودکان از اهم اقدامات پس از حوادث است. با

کمک گرفتن از روانشناسان، روانکاوان و متخصصین روانشناسی کودک، کمکهای بسیاری را میتوان به استحکام شخصیتی و روانی و حتی جسمی کودک کرد تا آرام آرام به وضعیت عادی برگردد.

توجه دادن کودک به طبیعی بودن حادثه و فوایدی که در طبیعت برای این اتفاق ناگوار وجود دارد، مهم است. توجه دادن کودک به سرمنشأ هستی و قوانین حاکم بر جهان و پرستش و اطاعت از خداوند متعال در همه حال - چه نعمت و چه نعمت - از وظایف بسیار مهم مربیان و روانشناسان در برخورد با کودکان زلزله است. از برنامه «فلسفه و کودک» میتوان در چنین محیطهایی استفاده مطلوب کرد و با بحثهای جذاب و هدفمند، هم تفکر کودک را ارتقا بخشید و هم پاسخ سؤالات بسیار او را داد و هم به آرامش روانی و اعتماد بنفس کودک کمک کرد.

شاید ماهها و سالها لازم باشد تا «کودک زلزله» آرامش روحی خود را بدست آورد و به زندگی بازگردد... مسئله دیگر، خبری است که در سایتها و کانالهای خبری راجع به آن صحبت شد و آن اینکه دستهایی در کار است که آرام و موزیانه درصدد اجرای برنامه ۲۰۳۰ در ایران است و در مدارس و مهدکودکها وارد شده و کلاسهای تربیت جنسی میگذارند و یا متون درسی را دستکاری میکنند (مانند حذف اسم ائمه در کتب درسی) و هرچه که به ایمان و حیای کودکان ما مربوط است را ازاله میکنند. در صورتی که نهادهای دولتی کاری برای مقابله با این پدیده شوم انجام نمیدهند، وظیفه نهادهای خودجوش مردمی است که آستینها را بالا زده و کاری درست و خدایپسندانه صورت دهند. برنامه ۲۰۳۰ و آموزشهای درون آن نیاز به کارشناسی و آسیب شناسی تخصصی و عمیق دارد و بدون بررسی دقیق و همه جانبه، اجرا کردن این قبیل برنامهها، مسموم کردن ذهن کودکان معصوم است و خسارتهایی جبرانناپذیر در پی خواهد داشت.

زهره حسینی خامنه